

اینها اصل نیستند

نویسنده:

علی حسین امیری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و درود بر پیامبر اسلام و خاندان پاکش و اصحاب وفادارش. یک سری از عقاید موجود در تشیع باعث منزوی شدن این مذهب از بقیة مذاهب شده، و علت آن است که علمای مذهبی در تشیع بر این عقاید پافشاری زیادی داشته‌اند و دارند.

این علما این عقاید را به عنوان اصلی در آورده‌اند، و به آنها اهمیت فراوانی می‌دهند و همین امر باعث تمایز ایشان از بقیه مذاهب شده، بطوریکه مسلمین جهان اشخاص شیعه را بیشتر با این عقاید می‌شناسند و هر موقع صحبت از تشیع می‌شود در ذهن هر کس همین عقاید ظاهر می‌شود، عقایدی که در مذهب تشیع، بسیار مهم و اساسی هستند و شیعیان بر روی آنها تاکید فراوانی دارند.

قبل از شروع لازم به تذکر است که بسیاری از این عقاید از بیخ و بن اشتباه هستند، ولی ما در اینجا بر آن نیستیم که اشتباه بودن این عقاید را ثابت کنیم، و اینکار را در کتب دیگری انجام داده‌ایم.

ما برعکس در اینجا می‌خواهیم مسئله را بطوری دیگر بیان کنیم. ما فرض می‌گیریم که این عقاید صحیح هستند. قصد ما بر این است که به خواننده گرامی نشان دهیم که این عقاید بر فرض صحت، اینقدر مهم نیستند که علمای شیعه بر آنها تاکید داشته‌اند و یا دارند. اصلاً این عقاید بسیار جزئی و فرعی هستند و به حساب نمی‌آیند و در اسلام، اینها اصل نیستند.

اصل چیزهای دیگری هستند که متأسفانه علمای شیعه به آنها توجهی ندارند. بود یا نبود برخی از این عقاید، فرق چندانی نخواهد داشت و بقیه آنها نیز در مواردی خاص و در شرایطی خاص قابل اجرا هستند، و اصلاً جزء مسائلی نیستند که ذهن ما دائم

به آنها مشغول باشد.

برای روشن شدن مطلب، چند مثال می‌زنیم و چند نمونه از این عقاید را ذکر می‌کنیم و در موردشان توضیح می‌دهیم تا متوجه شوید.

۱- **شفاعت:** مسئله شفاعت یکی از همین موارد است که در تشیع بصورت یک عقیده اصلی و مهم در آمده و تمام شیعیان بطور باور نکردنی به شفاعت امامان دلخوش هستند و یا به شفاعت فاطمه زهرا.

امید به شفاعت تبدیل به یکی از ارکان اصلی در زندگی ایشان شده و تصور دارند که بسیاری از گناهان ایشان توسط ائمه بخشیده خواهد شد.

در بسیاری از آیات قرآن، خداوند تنها ایمان و عمل صالح را اصل دانسته و شفاعت دیگران را بی‌اثر شمرده است، همینطور برای کسی که جهنمی باشد شفاعت سودی نخواهد داشت، در سوره زمر/ ۱۹ خطاب به پیامبر ﷺ آمده که آیا تو کسی را که دوزخی است می‌توانی نجات دهی^(۱). و در سوره توبه/ ۸۰ هم خطاب به پیامبر ﷺ آمده که اگر هفتاد بار هم برای آنها آمرزش بخواهی پذیرفته نشود^(۲). و همینطور سوره منافقون/ ۶ که در آن خطاب به پیامبر ﷺ آمده که برای آنها آمرزش بخواهی یا نخواهی آمرزیده نشوند^(۳).

شرک از مواردی است که بخشیده شدنی نیست، و یا مورد حق الناس نیز مربوط به دیگران است که باید راضی شوند، پس اصل بر ایمان صحیح و مسلم بودن و داشتن اعمالی نیک است نه بر شفاعت.

۱- ﴿أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ﴾ [الزمر: ۱۹].

۲- ﴿إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ﴾ [التوبة: ۸۰]. یعنی: «اگر هفتاد بار برای آنان آمرزش بخواهی، هرگز خداوند آنان را نمی‌آمرزد».

۳- ﴿سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ﴾ [المنافقون: ۶]. «برای آنها آمرزش بخواهی یا نخواهی هرگز خداوند آنان را نمی‌بخشد».

در اسلام اصل کلی بر عمل صالح است، و در بسیاری از آیات قرآن ﴿عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ آمده است، و شفاعت بطور بسیار جزئی و فقط در چند آیه بیان شده که آن نیز تنها به اذن خداست [النجم: ۲۶، سبأ: ۲۳، طه: ۱۰۹].

حال شیعه آمده و این همه آیه مبنی بر مجاهدت و عمل و لزوم توبه برای اصلاح گذشته را رها کرده، و فقط بر شفاعت تکیه کرده و آنرا چنان بزرگ ساخته که بصورت اصلی مهم در آمده، و هر شیعه به امید شفاعت به زیارت قبر امامان خود می‌رود و به ایشان متوسل می‌شود.

مسئله شفاعت برای اشخاص همانند کودکی است که تمامی نمرات درسی او خوب بوده و تنها یک نمره منفی داشته که در اینجا معلمان و مدرسان ممکن است از این یک نمره چشم پوشی کنند و آنرا در نظر نیاورند، ولی چنانچه همه نمرات این کودک منفی باشد یا صفر باشد، در اینجا دیگر جایی برای بخشش وجود نداشته و چنین کودکی مردود است.

شفاعت حالت نمک در غذا را دارد و مورد اصلی که غذاست در واقع همان عمل صالح است.

ولی ظاهراً در تشیع جای این دو عوض شده و عمل صالح مانند نمک شده و شفاعت همچون غذا و مسئله اصلی شده است.

۲- تقیه: این مورد نیز در عقاید شیعه جای بسیار مهمی پیدا کرده، و هر عمل شیعیان در هاله‌ای از تقیه قرار گرفته، بطوریکه تشخیص صداقت ایشان بسیار مشکل شده است.

شیعیان در مراسم حج و در مقابل اهل سنت تقیه می‌کنند، و مثلاً خلفا را لعن نمی‌کنند، و اینکار را در دل خود انجام می‌دهند، و یا با اهل سنت نماز می‌خوانند و البته

در جایی دیگر نماز خود را اعاده می‌کنند، و یا به هنگام سجده مهری نمی‌گذارند. (یا مهر را در دست خود پنهان می‌کنند و به هنگام سجده زیر پیشانی خود می‌گذارند!!^(۱)).

شیعیان برای امامان خود نیز قائل به تقیه هستند و می‌گویند: حتی حضرت علی در دوران خلافتش کاملاً مختار نبوده و در بعضی اوقات تقیه می‌کرده است!!!.

برای بقیه امامان هم معتقد به تقیه هستند و هر جا امامان از ابوبکر و عمر تعریف و تمجیدی کرده باشند شیعه آنرا حمل بر تقیه می‌کنند یا اگر امامی نام فرزند خویش را ابوبکر یا عمر یا عایشه گذاشته باشد، این نیز حمل بر تقیه می‌شود.

تقیه از موارد جزئی بوده و در حالاتی است که مثلاً شما باشید و در محاصره دشمنان باشید و جان شما در معرض خطر جدی باشد و مجبور به سکوت نباشید و یا اینکه از شما سوالی شود، در اینجاست که برای حفظ جان خود، می‌بایست طوری سخن بگوئید که دشمن برای شما خطری ایجاد نکند^(۲). و البته چنین مواردی به ندرت اتفاق می‌افتد.

ولی تقیه بصورت اصلی کلی در تشیع در آمده و در مسائل ریز و درشت زندگی ایشان وارد شده است.

در کتب علمای شیعه مواردی ثبت شده که تقیه را جزء اصولی‌ترین و مهمترین عقاید نشان می‌دهد، همچون اینکه: نه دهم دین تقیه است، و تارک تقیه همچون تارک نماز است، و هر که تقیه ندارد دین ندارد و غیره...

۳- **معرفت امام:** شناخت و معرفت اهل بیت از موارد بسیار عالی و خوب بوده، و بطور حتم اهل بیت می‌توانند به عنوان الگویی مناسب بکار روند، البته الگوی همگی ما و همینطور الگوی اهل بیت، شخص نبی اکرم ﷺ هستند، ولی به هرحال هر مومنی می‌تواند سرمشق دیگران قرار بگیرد.

۱- ای کاش شیعیان این نبوغ و استعداد خود را در جایی دیگر به کار می‌بستند.

۲- همچون مورد عمار که شیعه نیز برای توجیه تقیه به آن اشاره دارد، ولی آن کجا و این کجا؟!!!.

ولی شیعه آمده و امامت را اصل دین ساخته و عوض اینکه مردم را بسوی الله و دین الله دعوت کنند، بسوی امامان دعوت می‌کنند و می‌گویند: معرفت امام راهی برای معرفت و شناخت خداست.

در صورتیکه خود امامان نیز تابع دین بوده‌اند نه اصل یا فرعی از دین^(۱). مراجع شیعه بجای آشنا کردن مردم با خود دین، آمده‌اند و مردم را سرگرم بزرگان دینی کرده‌اند و سرگرم قصه‌های مختلف و دعوای فلان با فلان. اهل بیت نزد شیعیان به عنوان الگو بکار نمی‌روند، بلکه ابزاری شده‌اند برای گریه و زاری و یا لعن و نفرین خلفا و ایجاد تفرقه در دنیای اسلام. اصل خود دین است، نه پیروان و بزرگان دینی، اصل اسلام و دستورات آن است. بزرگان دینی هر کاری کرده‌اند برای خودشان بوده و کارهای ثواب آنها را پای شما نمی‌نویسند و تنها چیزی که در آخرت مهم است همان اعمالی است که خودتان انجام داده‌اید.

چنانچه شخصی علی و ابوبکر را شناسد ولی به قرآن و دستورات اسلامی عمل کند، بطور حتم چنین شخصی بهشتی خواهد بود، چون به همان چیزی عمل کرده که علی و ابوبکر بدان عمل کردند و در حقیقت راه هدایت در خود دین است، نه در افراد متدین.

۱- امام نه اصل دین است و نه فرع دین، بلکه تابع دین است، و شیعه نمی‌تواند بگوید که امام از امامت جداست، و امامت همچون نبوت است، و مثل نبی و نبوت می‌ماند، و بدین طریق امامت را وارد دین کند، چون اولاً: این قیاسی مع الفارق و نادرست است، ثانیاً: به پیامبر ﷺ وحی می‌شده و حتی خود نبی اکرم ﷺ تابع آن بوده و نبوت در واقع همان وحی و دستورات الهی و تشریعی دین اسلام است که هر کس باید تابع آن باشد و البته به امام وحی نمی‌شود، ثالثاً: ایمان به نبوت در قرآن بیان شده و شما می‌بایست ثابت کنید که ایمان به امامت هم وجود دارد، رابعاً: اگر شما به امامت دعوت می‌کنید و نه به امام، پس چرا می‌گوئید که علی می‌بایست خلیفه می‌شد؟ و در حقیقت به شخص امام اشاره دارید، علی می‌توانسته جدا از خلافت به امامت مورد ادعای شما برسد، پس شما شخص امام را اصلی از دین می‌دانید؟!.

۴- **ظهور منجی:** از این بگذریم که امام حسن عسگری اصولاً فرزندی نداشته‌اند که بخواهد غیب شود و از صریح کتاب و سنت وجود چنین شخصی اثبات نمی‌شود و ... ولی به فرض اینکه کسی هم در آینده بخواهد ظهور کند و یا قیامی برپا کند، این دلیل بر این نیست که ما هم اکنون از صبح تا شام مشغول او شویم و تنها از او صحبت کنیم و از او یاری بطلبیم و یا دعای شرک آمیز ندبه بخوانیم تا او ظهور کند. هر وقت او ظهور کرد شما دست بکار شوید و کمکش کنید.

چیزی که هم اکنون مهم و اساسی می‌باشد این است که همگی می‌بایست در برابر ظالمان متحد شویم و عدالت را به مرحله اجرا بگذاریم و دست خیانتکاران را کوتاه کنیم و دستورات اسلامی را اجرا کنیم، نه اینکه منتظر کسی دیگر باشیم تا او بیاید و دستورات دینی را اجرا کند.

متأسفانه شیعیان علاوه بر اینکه اتحادی ایجاد نمی‌کنند، تازه تا می‌توانند در کوره تفرقه می‌دمند و به بزرگان دینی اهل سنت توهین می‌کنند و با روایات دروغین مردم را تحریک می‌کنند تا بدینوسیله اسرائیل خوشحال‌تر شود.

پس مسئله مهدویت که شیعیان اینقدر در مورد آن هیاهو به راه انداخته‌اند اصل نیست و تنها برای سرگرم کردن مردم و یا حکومت کردن فقیهان شیعه خوب است.^۱

در اسلام امام پیداست و امام پنهانی و غائب معنا ندارد، پس اصل بر وجود امامی حی و حاضر است تا حدود و قوانین اسلامی را اجرا کند و مردم او را ببینند، نه امامی که از صدها سال پیش غائب شده و به سردابی فرو رفته و مردمش از او بی‌خبرند، نه کسی او

۱- برای تحقیق پیرامون امام زمان به کتبی چون «بررسی علمی در احادیث مهدی» نوشته علامه برقی رجوع کنید یا به کتاب «غائب همیشه غائب» نوشته اینجانب. یا به کتاب «آمدن مهدی افسانه است» نوشته دکتر محمد جودت الیوسف، ترجمه شیخ اسحاق دبیری رحمته، یا به کتاب «مهدی موعود یا مهدی موهوم؟» نوشته دکتر عبدالرحیم ملازاده، و یا کتاب «عجیب ترین دروغ تاریخ»، نوشته شیخ عثمان الخمیس، ترجمه شیخ اسحاق دبیری رحمته.

را دیده و نه وجودش فایده‌ای دارد.

۵- **خلافت و امامت:** مسئله مهم دیگر که رکن اساسی تشیع را تشکیل می‌دهد، مسئله خلافت بلافصل و من عند الله حضرت علی به اعتقاد شیعه است.

در اینجا در مورد غلط بودن این ادعا توضیحی نمی‌دهیم^(۱).

آنچه مهم است این است که فرض می‌گیریم حضرت علی خلیفه بلافصل و من عندالله بوده، حالا باید چه کار کرد؟ آیا صحبت پیرامون این مسئله فایده‌ای دارد؟ می‌بینی که آخوندهای احمق و دکانداران مذهبی بخاطر اینکه مبدا دکانشان تعطیل شود می‌گویند: ای آقا، حقیقت را باید گفت، همه باید بدانند که حق با علی بوده و دیگران غاصب بوده‌اند!!!!.

و بدین طریق می‌خواهند به اعمال تفرقه‌انگیز خود ادامه دهند و به وظیفه‌ای که انگلیس و اسرائیل بر عهده آنها گذاشته‌اند عمل کنند.

ما فرض می‌گیریم که علی بجای ابوبکر خلیفه می‌شد و پس از او نیز امام حسن و حسین و بقیه امامان تا امام دوازدهم.

می‌شود بفهمانید که امت اسلامی پس از آن باید چه می‌کرد؟ مردم پس از امام دوازدهم باید چه می‌کردند؟ شما که می‌گوئید می‌بایست همیشه و در همه حال و تا روز قیامت یک حجت الهی وجود داشته باشد، آیا امام دوازدهم می‌خواسته تا ابد حکومت کند؟! یا به سردابی برود و تا روز قیامت غائب شود؟! تا بدین طریق حجت الهی پا برجا بماند!!!!.

آخوندهای شیعه باید خوشحال باشند که علی خلیفه نشده و امام زمان نیز غائب شده، چون اگر این اتفاقات نمی‌افتاد هم اکنون شما آخوندها چه می‌کردید؟! دیگر چیزی برای

۱- برای تحقیق پیرامون مسئله امامت و خلافت به کتبی چون شاهراه اتحاد نوشته استاد حیدر علی قلمداران رجوع کنید یا به کتاب آلفوس نوشته علیرضا حسینی.

گفتن نداشتید، دیگر نمی‌توانستید تفرقه ایجاد کنید و ذهن مردم را به قصه‌های گوناگون سرگرم کنید.

دیگر نمی‌توانستید خمس بگیرید، دیگر نمی‌توانستید گنبد و بارگاه درست کنید و یا چندین دهه عزاداری به راه بیندازید.

۶- **عزاداری:** مورد گریه و زاری برای امام حسین و حادثه کربلا یا برای فاطمه زهرا و ائمه، بصورت اصلی مهم در تشیع در آمده و از تشیع مذهبی ساخته بنام مذهب عزا و رنگ سیاه.

مذهب گریه و زاری، مذهب بر سر خود کوفتن و سینه زدن و زنجیر زدن، مذهب بلا و مصیبت^(۱)، مذهب خودزنی و مذهب درب و پهلوی.

مگر امام حسین شهید نشده؟ مگر جای شهیدان در بهشت نیست؟ اصلاً حسین از نظر شیعه امامی معصوم و بدون خطا و گناه است، و چنین شخصی بطور حتم در بهشت خواهد بود.

پس گریه و زاری شما برای چیست؟ امام حسین در آن جهان احتیاجی به گریه و زاری شما در این جهان ندارد، او از این اعمال شما بیزار است.

پس اصل این است که ببینیم امام حسین چگونه بوده؟، امام حسین تابع دین اسلام بوده و شما نیز باید همانگونه شوید.

امام حسین در برابر حاکم، امر به معروف و نهی از منکر کرده، و آیا هم اکنون کسی می‌تواند ولی فقیه شما را امر به معروف و نهی از منکر کند؟ یا اگر چنین کرد از زندان سیاسی و اداره اطلاعات سر در می‌آورد؟!.

شما باید مانند امام حسین بپا خیزید و یزید و شمر زمان خود را پیدا کنید، ولی متأسفانه شما خودتان از پیروان یزید و شمر هستید.

شما بهتر است که بجای شعار ما اهل کوفه نیستیم، بگوئید ما اهل کوفه هستیم^(۱).

۱- برآستی هم که این فرقه تبدیل به بلا و مصیبتی برای دنیای اسلام و مسلمین دیگر شده است.

پس مشاهده می‌کنید که این مورد نیز همانند موارد دیگر دارای اهمیت نبوده و اصل نیست.

۷- **عصمت:** مورد اشتباه بعدی که شیعه بدان عقیده دارد، وجود عصمت برای امامان است.

ما فرض می‌گیریم که ائمه معصوم و بدون ذره‌ای خطا بوده‌اند، این چه ربطی به زمان ما دارد؟ اگر آنها اینگونه بوده‌اند بطور حتم در بهشت خواهند بود و این برای خودشان خوب است، و یا برای مردم زمان خودشان مفید بوده‌اند، ولی مردم در این زمان چه کنند؟ هم اکنون که امام معصوم در کار نیست، و در پس پرده غیبت رفته، پس حالا چه کنیم؟

عصمت امامان از موارد بی اهمیت دیگری است که شیعه دائم بر آن پافشاری دارد و می‌بینیم که مثل سایر عقاید این مذهب بی مورد است و سود و فایده‌ای برای پیروانش ندارد.

پس اصل بر عصمت نیست، بلکه اصل تنها بر پیروی از وحی الهی است که بدون خطا بر پیامبر اسلام نازل شده، و بدون تحریف به دست ما رسیده، و هم اکنون موجود است و می‌توانیم از آن استفاده کنیم تا هدایت یابیم.

عصمت امامان شما که ساخته و پرداخته دست غلات است، برای خودتان خوب است و یا برای مردم بیسوادی که به این چیزها دلخوشند.

۸- **قبرسازی:** ساختن گنبد و بارگاه بر روی قبور از اعمال حرام و بدعت در اسلام است^(۲).

ولی جدا از این مسائل باید گفت: ساخت گنبد نیز از موارد بی مورد و بی اهمیتی است

۱- لازم به تذکر است که بیشتر اهل کوفه از ایرانیان بوده‌اند، البته نامه‌های ارسالی به حسین از جانب عرب‌ها بوده ولی به هرحال شعار ما اهل کوفه نیستیم کمی مسخره به نظر می‌آید.

۲- برای تحقیق پیرامون این مسئله به کتاب خرافات وفور در زیارات قبور نوشته علامه برقعی رجوع کنید.

که البته در تشیع به مهمترین اصل بدل شده، و تنها ناراحتی شیعیان، نبودن گنبد و بارگاه بر روی قبور امامان در قبرستان بقیع است^(۱).

اینقدر که مسئله قبر برای شیعه مهم است شاید هیچ چیزی بدین شکل نباشد. کسی نیست به اینها بگوید که امامان در زندگانی خود هم علاقه‌ای به زینت‌های دنیوی نداشته‌اند چه برسد به هم اکنون که از این دنیا رفته‌اند. پس قبر و قبرسازی و پرستش قبور اصل نیست بلکه پرستش خدای یکتا اصل است، و پرستش غیر خدا، عملی حرام و شرک در عبادت خداست.

۹- حکومت: اصل حفظ حکومت نیست، بلکه اتحاد و انسجام و توحیدی بودن جامعه است، برای همین حضرت علی خطاب به مردم کوفه می‌فرماید: من راه به صلاح آوردن شما را می‌دانم ولی چون اینکار در فساد من است آنرا انجام نمی‌دهم. ولی حضرات و نمایندگان امام زمان که هم اینک حکومت را به دست گرفته‌اند معتقدند حکومت باید به هر روش و شیوه‌ای حفظ شود و تحویل امام زمان شود و ... امیدواریم که متوجه شده باشید که عقاید شیعه اصلاً اهمیت خاصی ندارند و این دکانداران مذهبی بوده‌اند که بر آب و تاب این عقاید افزوده‌اند^(۲). و روز به روز این عقاید را مهم و اساسی جلوه داده‌اند، پس امیدواریم که با مطالعه مطالبی که بیان شد متوجه شده باشید که: اینها اصل نیستند.

۱- اینجانب در مقاله‌ای با نام: ای مسلمین جهان بیدار شوید، خطر شیعه و عقایدش را برای دو شهر مکه و مدینه ذکر کرده‌ام و هشدارهای لازم را داده‌ام. شیعیان هر زمان که بتوانند و قدرت داشته باشند بدون معطلی خرافات خود را وارد این دو شهر می‌کنند و یا روی قبرستان بقیع یک گنبد بزرگ درست می‌کنند تا مردم بجای رفتن به مسجد به قبرستان بیایند و بر سر خود بکوبند.

۲- اصلاً شیعه از ابتدای ظهورش تنها حزبی سیاسی بوده که حضرت علی را برای امر خلافت، بهتر از دیگران می‌دانسته و سایر عقایدش در زمانهای بعدی شکل گرفته است و انواع خرافات و بدعتها به مرور زمان وارد تشیع شده است.

در دین اسلام اصل چیزهای دیگری است، همچون:

- عمل به قرآن و سنت پیامبر ﷺ.
 - بکارگیری عقل و طلب علم و افزایش دانش.
 - کمک به هموع.
 - تلاش برای برقراری توحید.
 - دوری از شرک و خرافات و بدعتها.
 - ایجاد اتحاد و مقابله با دشمنان اسلام.
 - برقراری عدل و مبارزه با ظلم.
- پس به اصل برسید و دکانها را رها کنید

پایان

زمستان ۱۳۸۷ هجری شمسی